



## درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبیٰ نورمفیدی

تاریخ: ۲۱ فروردین ۱۳۹۰

مصادف با: ۶ جمادی الاول ۱۴۳۲

جلسه: ۲۳

موضوع کلی: قراءات سبع

موضوع جزئی: ریشه قراءات سبع

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

نتیجه بحث تا اینجا این شد که قراءات سبع مسلماً متواتر نیستند بلکه همه اسناد این قراءات در زمره اسناد آحاد است حتی بعضی از سندهای قراءات سبع محل شک و تردید است، از طرف علماء اسلامی هم به این قراءات اشکالات متعددی وارد شده که خود این نشان دهنده عدم تواتر این قراءات است اگر این قراءات متواتر بودند و متواتراً از پیامبر نقل شده بودند جایی برای این اشکالات از طرف علماء نبود و معنا نداشت چیزی را که به نحو قطعی به پیامبر منتسب باشد از طرف علماء در معرض اشکال قرار بگیرد، پس تواتر قراءات قطعاً منتفی است دلیل دیگری که بر حجیت قراءات سبع بود حدیث احرف سبعة بود، عرض کردیم حدیث احرف سبعة هم هیچ دلالتی بر حجیت قراءات سبع ندارد، پس هر دو دلیلی که بر حجیت قراءات سبع اقامه شده بود مخدوش است، نه تواتر قراءات سبع ثابت است و نه حدیث احرف سبع. پس این قراءات هفت‌گانه که این چنین محل اشکال و شبهه است چگونه پدید آمده و ریشه این قراءات هفت‌گانه چیست و وجه انحصار این قراءات در هفت قرائت و رسمیت پیدا کردن این هفت قرائت چیست؟

### ریشه قراءات سبع:

قبلاً اشاره کردیم که چگونه قراءات مختلف محصور به این قراءات هفت‌گانه شد، عرض کردیم این کار به دست ابن مجاهد صورت گرفت، تا قبل از اقدام ابن مجاهد قراءات زیادی در بین مسلمین رواج داشت، از همان ابتدا کسانی که قرائت قرآن را از پیامبر اکرم (ص) شنیده بودند و تعلم کرده بودند به دیگران تعلیم می‌دادند و این قرائت‌ها در بلاد مختلف سینه به سینه منتشر می‌شد پس از ابتدا یک قرائت بیشتر نبوده است اما بخاطر عوامل مختلف، ظرفیت‌های افراد، گویش‌های مختلف، اجتهادهای شخصی خود افراد و... این قرائت‌ها مختلف شد، این اختلاف قراءات مشکلاتی هم پدید می‌آورد، هر بلدی از بلاد اسلامی برای خودش یک شیخ القراء داشت که همه در قرائت از او تبعیت می‌کردند؛ مثلاً قرائت اهل مدینه با مکه تفاوت داشت، قرائت اهل کوفه با شام و قرائت اهل مصر با عراق متفاوت بود.

کتاب‌های زیادی در مورد قرائت‌های قرآن نوشته شده، اولین کتابی که معتبر است و به ضبط قرائت‌های صحیح و جمع‌آوری قراءات پرداخته کتابی است که مربوط است به ابو عبید قاسم بن سلام انصاری (م. ۲۲۴ه.ق.) - شاگرد کسائی بوده - در این کتاب قراء را منحصر به بیست و پنج قاری کرده که قراء سبعة جزء این بیست و پنج نفرند، بعد از آن کتاب‌های زیادی در

رابطه با قرائت قرآن نوشته شد که در بعضی از آن‌ها قراءات قرآن را تا پنجاه قرائت ذکر کرده‌اند، ابوالقاسم یوسف بن علی (م. ۴۶۵ ه. ق.) کتابی نوشته به نام «الکامل» که در این کتاب حدود پنجاه قرائت را ذکر کرده است وقتی خوب دقت می‌کنیم می‌بینیم تعداد قراءاتی که برای قرآن ذکر شده چه قبل از ابن مجاهد و چه بعد از ابن مجاهد بیش از هفت قرائت می‌باشد، مسئله اصلی این است که چه عواملی باعث شد که قراءات محصور در هفت قرائت بشود، کسی که با جدیت این کار را دنبال کرد شخصی است به نام ابوبکر ابن مجاهد. سه عامل باعث شد که ابن مجاهد در منظوری که داشت موفق شود که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### **عوامل موفقیت ابن مجاهد در انحصار قراءات به قراءات هفتگانه:**

**الف) شرایط جامعه آن روز؛** یعنی وجود نابسامانی‌ها و تنش‌های زیادی که بین مسلمین وجود داشت.

**ب) نفوذ مردمی شدید ابن مجاهد،** علیرغم اینکه ابن مجاهد از نظر علمی مرتبه بالایی نداشته تا جاییکه بعضی از علماء می‌گفته‌اند ابن مجاهد برای کسب علم مسافرت نکرده پس از علم کافی برخوردار نیست، ولی در بین مردم نفوذ زیادی داشته است.

**ج) نفوذ ابن مجاهد در دستگاه دولتی و همراه نمودن بعضی از مقامات دولت آن زمان را با خودش.**

مجموع این سه عامل؛ یعنی شرایط جامعه، نفوذ مردمی و نفوذ در دستگاه دولتی باعث شد ابن مجاهد ایده خودش را به شدت تعقیب بکند، عقیده ابن مجاهد این بود که می‌گفت نیاز ما در حفظ دست‌آوردهای ائمه پیشین قرائت بیش از آن است که ما قرائتی را اختیار کنیم که بعداً رواج پیدا کند و بیشتر تأکید بر حفظ قراءات گذشته داشت، از نفوذ خودش در بین مردم و دستگاه دولتی استفاده کرد و توانست هفت قرائت از قراءات را رسمیت بدهد حتی کار را به جایی رساند که بعضی از بزرگان دوره خودش را به محاکمه کشاند و از ابزار قهریه هم برای تثبیت رسمیت این قراءات هفت‌گانه استفاده کرد، به هر حال ریشه شکل‌گیری این قراءات سبع به دست ابن مجاهد واقع شده است.

### **موضع علماء اهل سنت در رابطه با قراءات سبع:**

دلیلی بر اعتبار حجیت این قراءات سبع نداریم؛ یعنی نه تواتر داریم و نه حدیث احرف سبعه بر این قراءات هفت‌گانه دلالت می‌کند، پس وجهی برای انحصار قراءات در این قرائت‌های هفت‌گانه وجود ندارد، شاهد بر این مسئله این است که بسیاری از بزرگان به ابن مجاهد اشکال کرده‌اند که چرا ایشان قراءات را در هفت قرائت محصور کرده و چرا فقط هفت نفر، مشهور به وثوق و امانت و دقت در ضبط قرائت شده‌اند در حالیکه بعضی معتقدند افراد زیادی هستند که از قرآء سبعه برترند؛ مثلاً زرکشی در البرهان می‌گوید: در اوائل قرن چهارم قرائت‌های هفت‌گانه به دست ابن مجاهد که احاطه‌ای بر روایات نداشت و در راه کسب علم سفری نکرده بود رواج پیدا کرد لذا این باعث شد عوام تصور کنند حدیث احرف سبعه ناظر به این قراءات است در حالیکه این مسئله کاملاً اتفاقی بوده است.<sup>۱</sup>؛ یعنی ابن مجاهد هفت قرائت را به عنوان قراءات معتبر برگزید و به طور

۱. البرهان، ج ۱، ص ۳۲۷.

اتفاقی با حدیث احرف سبعة هم منطبق شد و عوام خیال کردند حدیث احرف سبعة به این قراءات هفت‌گانه اشاره دارد؛ یعنی این اشتباه در ذهن عوام شکل گرفت و گرنه در بین علماء کسی نگفته این حدیث اشاره به قراءات هفت‌گانه‌ای دارد که ابن مجاهد ذکر کرده است.

یکی دیگر از علماء اهل سنت که در رابطه با ابن مجاهد سخن گفته سیوطی است که از امام احمد بن عمار که قاری و مفسر قرآن بوده نقل می‌کند که می‌گوید: بنیانگذار انحصار قراءات در هفت قرائت عملی ناشایسته انجام داده و این توهم را بر عامه کوتاه نظر فراهم کرده که این قرائت‌های هفت‌گانه همان احرف سبعة است که در حدیث آمده و شاید اگر این قرائت‌ها را در عددی کمتر از هفت یا بیشتر از هفت قرار می‌داد این توهم بوجود نمی‌آمد بعلاوه او در مورد هر امامی به دو روای اکتفاء کرده و این موجب شده که اگر کسی روایتی را بشنود که ثالثی غیر آن را نقل نکرده آن را نپذیرد و باطل بداند در حالیکه چه بسا این قرائت مشهورتر و صحیح‌تر از قراءات سبعة باشد.<sup>۱</sup>

در جای دیگر سیوطی از ابوبکر بن عربی نقل می‌کند: تنها قرائت‌های هفت‌گانه نیست که جایز باشد بلکه قراءات دیگر هم جایز است.<sup>۲</sup> باز سیوطی از ابوحنیفه آندلسی نقل می‌کند: در کتاب ابن مجاهد و تابعین او تنها تعداد کمی از قرائت‌های مشهور ذکر شده است.<sup>۳</sup> از جمله کسانی که سیوطی از آن‌ها نقل کرده است اسماعیل بن ابراهیم بن غراب است که می‌گوید: تمسک به قراءات هفت‌گانه و عدم تمسک به قراءات دیگر مبتنی بر هیچ سند و روش و سنتی نیست و فقط ناشی از این است که برخی از متأخرین (ابن مجاهد) که به بیش از هفت قرائت آشنایی نداشته‌اند کتابی به نام «السبعة» منتشر کرده که فقط حاوی هفت قرائت است و به علت شهرت مؤلف کتاب، عامه مردم تصور کرده‌اند تمسک به قرائت‌هایی غیر از اینها جائز نیست، علیرغم همه اعتراضاتی که به این قراءات سبعة و به ابن مجاهد شده که چرا قراءات را محصور در این قراءات کرده اما عملاً از قرن چهارم به بعد خود علماء امامیه حتی منکرین و معترضین به ابن مجاهد هم به قراء سبعة اکتفاء کرده‌اند، ابو محمد مکی (م. ۴۳۷ه.ق) با اینکه از مخالفان جدی انحصار قراءات به هفت قرائت است کتابی دارد به نام «الكشف عن وجوه القراءات السبع» که با اینکه مخالف انحصار قراءات در قراءات سبع هست ولی به تحکیم و تثبیت قراءات سبع پرداخته است؛ یعنی فضای عمومی جامعه طوری بوده که حتی خود این مخالفین را هم در همان مسیری پیش برده که ناچار شده‌اند با نظر عموم همراهی کنند.

البته در قرون بعدی بعضی سه قاری به این قراء هفت‌گانه اضافه کردند که قراء ده تا شدند، شمس الدین ابو الخیر بن جذری (م. ۸۳۳ه.ق) کتابی نوشت به نام «النشر فی القراءات العشر» و در این کتاب سه قاری به قراء سبعة اضافه کرد، بعضی هم چهار قاری دیگر اضافه کردند که چهارده تا شدند.

**بحث جلسه آینده:** موضع علماء امامیه در رابطه با قراءات سبع خواهد بود.

۱. الاتقان، ج ۱، ص ۸۰.

۲. همان.

۳. همان.

«والحمد لله رب العالمين»